

باسمه تعالی

سرگذشتی کوتاه از آسمانی های

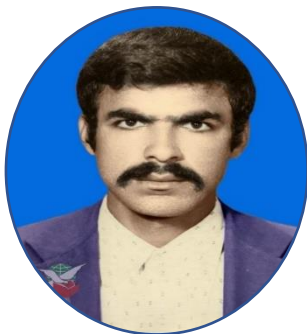
انقلاب اسلامی کازرون

شهدای شهرستان کازرون همه گمنامند،
هم شهدای انقلاب ، هم شهدای دفاع مقدس، شما
چقدر از شهید منصور محسن پور
می دانید، صدرااله شیخیان را چقدر
می شناسید و.....

آسمانی اول

شهید منصور محسن پور در سال ۱۳۳۲ در خانواده-
ای مذهبی چشم به جهان گشود. وی دوران
تحصیلات ابتدایی را در دبستان فردوسی به پایان
رسانید. در سن هشت سالگی بود که از نعمت پدر

محروم گشت و دیگر فرصت ادامه تحصیل نیافت و جهت تهیه مخارج خانواده مجبور شد که کار کند.



وی در رشته مکانیکی اتومبیل در سن ده سالگی به کار مشغول شد. او در خانواده ای زحمت کش و مستضعف بزرگ شد ولی دارای هوش سرشاری بود. ایشان از همان دوران قبل از بلوغ به شعائر مذهبی از جمله روزه و نماز اول وقت اهتمام می ورزید.

او علاقه زیادی نسبت به امام داشت به طوری که نوارهای سخنرانی امام را گوش می داد و رساله و کتاب های امام (ره) را مطالعه می کرد و در بین مردم پخش می نمود. وی به شهرهای تبریز، قم، اصفهان، و ... برای پخش اطلاعیه های حضرت امام مسافرت می نمود.

رژیم که از فعالیت هایش مطلع شده بود چندین بار ایشان را دستگیر و تهدید نمود ولی این امر در عزم راسخ او خللی ایجاد نمی نمود. مبارزات این شهید بزرگوار ادامه یافت تا اینکه سرانجام در جریان هجوم به سینما که در آن زمان یکی از مراکز ترویج فساد بود به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

آسمانی دوم

شهید بزرگوار ماندنی دست داده در سال ۱۳۳۴ در شهرستان کازرون متولد شد. وی از همان دوران کودکی طعم تلخ فقر و تنگدستی را چشیده بود. در سن شش سالگی وارد دبستان شد اما به علت فقر مادی موفق به ادامه تحصیل نشد.



بنابراین تصمیم گرفت روزها کار کند و شب ها درس بخواند. این شهید عزیز همیشه در تظاهرات در صف

اول می ایستاد و علیه رژیم شعار می داد. در پخش اعلامیه های حضرت امام (ره) و نوشتن شعار علیه رژیم نقش بسزایی داشت. با شهادت اولین شهید کازرون منصور محسن پور شدیداً منقلب می شود. در روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۷ در حالی که در خیابان شهدای جنوبی در پیشاپیش مردم در حال تظاهرات و شعار دادن علیه رژیم بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

آسمانی سوم

شهید محمد محمدی در سال ۱۳۲۰ در خانواده ای کم بضاعت در شهر کازرون دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی خود را تا کلاس پنجم

گذرانید ولی از آنجا که وی از هیچ مزایای مادی برخوردار نبود که بتواند در مقابل دشواری ها و مشکلات مقابله نماید، علیرغم میل قبلیش مبادرت به ترک تحصیل نمود.



شهید بزرگوار در تظاهرات اوایل انقلاب حضور فعال داشت و اطلاعاتیه های حضرت امام (ره) را پخش می نمود. سرانجام رژیم منحوس پهلوی تاب تحمل این

چنین یاران وفادار به امام و اسلام را نداشت و در تاریخ ۵۷/۲/۲۰ هنگام مراجعت از جلسه سخنرانی در مسجد جامع شهدا در حالیکه علیه شاه شعار می داد در جلو درب مسجد هدف گلوله دژخیمان قرار گرفت و به لقاء الله پیوست.

آسمانی چهارم

پس از هیجده سال انتظار پدر و مادری در شهرستان کازرون خداوند پسری در سال ۱۳۳۴ به خانواده ای عطا کرد که با تولد این پسر تحولی سازنده در آن خانواده بوجود آمد. پس از تولد نوزاد خانواده اش در این فکر بودند که نامی را برای فرزندشان انتخاب

کنند تا اینکه او را غلامعلی نامیدند تا همیشه نوکر
و مرید مولای متقیان علی بن ابیطالب باشد.

در دورانی که شاه و مزدورانش از تظاهرات مردم به
تنگ آمده بودند در یکی از راهپیمایی ها به مردم
تیراندازی کردند که یکی از گلوله ها به پای شهید
اصابت می کند



و بلافاصله تیر دوم به گلوش می خورد و به شهادت
می رسد و پس از ۳ الی ۴ شبانه روز که خانواده اش

از جسد او خبری نداشتند مأمورین شبانه پیکر پاکش را در بهشت زهرا به خاک می سپارند و آنگاه خانواده اش از این موضوع مطلع می شوند.

آسمانی پنجم

شهید ابراهیم قائدی در سال ۱۳۴۵ در خانواده ای مذهبی و مستضعف در روستای بلیان چشم به جهان گشود. دوران کودکی را در روستا و در کنار خانواده خویش سپری نمود.

دوران نوجوانی در کنار پدر به کار کشاورزی و دامداری پرداخت.

زمانی که پدر شهید از وی علت شرکت در تظاهرات
را پرسید، در جواب پدرش گفت: پدر جان من
خمس فرزندان هستم و تو باید مرا به عنوان خمس
در راه اسلام و انقلاب اسلامی فدا کنی.

سرانجام شب قبل از شهادت خوابی می بیند که
دلیل بر شهادت وی بود.



فردای آن روز توصیه هایی به خانواده می کند و
حلالیت می طلبد. بالاخره قبل از رفتن به تظاهرات
غسل شهادت می کند و به آرزوی خود می رسد.

آسمانی ششم

شهید علی پناه اسکندری در روستای مهرنجان و
در یک خانواده مذهبی و مستضعف دیده به جهان
گشود.



وی نیز در پخش اطلاعاتی های امام (ره) و مبارزات
نقشی فعال داشت و سرانجام در تجمع مردم
روستاهای اطراف در بلیان که شعارهای درود بر
خمینی و مرگ بر شاه سر می دادند، مورد هجوم
نیروهای شاه قرار گرفت و زخمی شد و پس از انتقال
به بیمارستان به شهادت رسید.

آسمانی هفتم

شهید عزیز عبدالحسین خدیو در خانواده ای مذهبی و
مستضعف چشم به جهان گشود.



پس از اینکه با موفقیت دوران ابتدایی را طی نمود به علت فقر با پیشنهاد خودش روزها کار می کرد و شب ها درس می خواند و پدرش را یاری می داد. وی از همان کودکی به فرایض دینی خود پایبند بود. رژیم چندین بار او را به دلیل مبارزات انقلابی دستگیر کرده و مورد آزار و اذیت قرار داد. بالاخره در تظاهراتی در خیابان فلسطین با گلوله ناپاکان به شهادت رسید.

آسمانی هشتم

صدراله شیخیان در بهار ۱۳۳۷ اولین روز فروردین متولد شد. دوران سربازی این شهید بزرگوار مصادف با پیام امام مبنی بر فرار سربازان از سربازخانه ها بود.



وی نیز به خواسته امام لیبیک گفت و از رفتن به پادگان سرباز زد. دژخیمان با مطلع شدن از این امر به منزل آن ها هجوم آورده، ولی او با زیرکی فرار می کند. در نهم دی ماه در تظاهراتی که شهید خدیو در جریان آن به شهادت می رسد و به هنگام تشییع پیکر شهید خدیو که دژخیمان مردم را به مسلسل می بندند، بیش از ده گلوله به شهید شیخیان اصابت می کند و او در حالیکه شعار الله اکبر سر می داد، با گفتن: بچه ها منم شهید شدم. به دیگر شهدای انقلاب اسلامی پیوست.

آسمانی نهم

خواهر شهید قیمتی برنجی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان کازرون در خانواده ای مذهبی متولد شد. او بانویی مؤمن و متقی بود که در کنار دیگر زنان و مردان کازرون علیه رژیم ستم شاهی مبارزه می نمود.



ایشان نیز در مراسم تشییع جنازه شهید خدیو و در
حین درگیری هنگامی که می خواست برای
مجروحی آب ببرد به شدت زخمی شدند و قبل از
رسیدن به شیراز به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

آسمانی دهم



شهید امراله محمودی در سال ۱۳۳۶ در روستای
شهرنجان از توابع کازرون در خانواده ای متدین و
کشاورز متولد گردید ضمن طی کردن دوران
تحصیلی ابتدائی عازم شهر کازرون شد تا بتواند
تحصیلات خود را ادامه دهد. چیزی نگذشت که به
اتفاق خانواده اش راهی آبادان گردید. در اوج انقلاب
خونین ایران با رهبر عظیم الشان انقلاب امام
خمینی آشنا شد و درس مردانگی و از جان
گذشتگی آموخت سپس در ۲۲ بهمن ماه ضمن
حمله به مترسک طاغوت، مجسمه شاه معدوم
بوسیله عناصر سرکوب کننده رژیم شربت شهادت
نوشید و دین خود را به امام و مکتب و مردم میهن
خود ادا نمود .

روحشان شاد و نامشان جاودانه باد

اللهم عجل لوليک الفرج

صلوات